

## دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، سخنرانی ۹، اسرائیل در مصر، موسی اولیه

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، صبح بخیر، آرامش مسیح با شما باد. متشکرم. می‌توانید اطلاعاتی‌های مربوط به امتحان را اینجا ببینید

ضمناً، قول نمی‌دهم که هر بار امتحان به این سرعت برگردد، اما اتفاقاً شنبه تقریباً برای نمره دادن باز بود. بگذارید چند نظر، چند پیشنهاد و غیره ارائه دهم. به چند دلیل، کمی به امتحان انحنادام

یکی اینکه نمرات بدون یکی کمی افتضاح بود. دوم اینکه، چون مجبور بودیم دو درس را با هم ارائه دهیم و متوجه شدم که این یعنی داریم روی بعضی چیزها خیلی پافشاری می‌کنیم، فکر کردم بهتر است در این مورد هم کمی مهربان باشم. خب، کمی اوضاع فرق می‌کند

یه جورایی از نظر ریاضی طوری محاسبه شده که افراد پایین رتبه کمی بیشتر از افراد بالا رتبه می‌گیرند و از این جور چیزا. وقتی توی امتحانات یه چیز اضافه می‌بینی، یعنی تعداد امتیازهایی که به نمره خامت اضافه شده برای درصدی که الان توی اون مقیاس بالا نشون داده می‌شه. همونطور که ممکنه بدونی، آگه ایمیلت رو خوندی و توی بلک‌بوردها دنبالش بودی، من کلید سوالات رو توی بلک‌بوردها گذاشتم

بنابراین، وقتی امتحاناتتان را پس گرفتید، و کری قرار است آنها را امروز در صندوق‌های پستی‌تان بگذارد، وقتی برگه پاس‌نامه امتحاناتان را پس گرفتید، حتماً نمره‌دهی را بررسی کنید. من هم انسان هستم. اشتباه می‌کنم

اگر من خسته‌ام، می‌دانید، من هم مثل همه ما خسته‌ام. و بنابراین، اگر اشتباهی پیدا کردید، لطفاً بیایید و من را ببینید تا بتوانیم آن را اصلاح کنیم، زیرا نمی‌خواهم شما را فریب دهند. برای کسانی که خیلی خوب عمل نکردند، ممکن است یک یادداشت کوچک روی برگه امتحان شما گذاشته باشم که روی آن نوشته شده باشد، لطفاً بیایید و من را ببینید

و این برای این نیست که یک سیلی به سرت بزنم و بعد از در بیرونت کنم. نکته این است که می‌توانیم کمی با هم استراتژی بچینیم و شاید راه‌هایی پیدا کنیم که شاید چهار امتحان بعدی برایت کمی بهتر از این یکی پیش برود. اگر از جلسات مرور درس‌ها استفاده نکرده‌اید، لطفاً این کار را بکنید

آنها را مفید خواهید یافت، به خصوص اگر احساس می‌کنید غرق در اطلاعات هستید. به بخش نظرات مراجعه کنید. آنها به شما کمک می‌کنند تا مطالب مربوط به امتحان بعدی را سازماندهی کنید

آزمون‌هایتان را ذخیره کنید. امتحان نهایی تجمعی است و من تمام سوالات را، تمام سوالات را کلمه به کلمه از امتحانات قدیمی برمی‌دارم. منظورم این است که این یک قرعه‌کشی است، درست است؟ تنها چیزی که در امتحان نهایی جدید است، واحد بین امتحان چهارم و نهایی است

بقیه‌ی مطالب مستقیماً از امتحانات قدیمی برداشته شده‌اند. پس، به آنها پایبند باشید. به کارتان خواهند آمد

و البته، همیشه می‌توانید آنها را به دانش‌آموزان سال آینده بفروشید تا از آنجا درس بخوانند. بسیار خب. اما بی‌خیال



. هینی ما تو او ما نعیم شوط آخیم گام یاچاد  
 . هایینی ما توو او ما نعیم شوط آچیم گام یاچاد  
 هینه ای ماتوف ، هینی ماتوف ، لای لای لای ، لای لای لای ، لای لای لای  
 . هینی ماتوف ، هینی ماتوف ، لای لای لای ، لای لای لای ، لای لای لای

خیلی خب .عالیه .اوه، نمی خواستم این کار رو بکنم .بیا به کم وقت بذاریم و با هم دعا کنیم

خدای مهربان، پدر آسمانی ما، هفته‌ی دیگه‌ای رو با شکرگزاری شروع می‌کنیم

با شکرگزاری است که ما را به اینجا آورده‌ای و ما واقعاً در کنار هم نشستیم، با هم درس می‌خوانیم، با هم زندگی می‌کنیم، با هم کار می‌کنیم، و باشد که این اتحاد واقعاً برقرار باشد .ما می‌دانیم که برای انجام این کار به حضور روح القدس تو نیاز داریم، و بنابراین امروز برای آن التماس می‌کنیم .ما برای جاهایی که شکستگی و شکاف وجود دارد، حتی در جامعه دانشگاهی ما، دعا می‌کنیم که تو ترمیم و بازسازی را به ارمغان بیاوری

ما همچنین برای مکان‌هایی که در آن سوی دیوارهای ما خصومت وجود دارد دعا می‌کنیم که با روح تو بر آنها غلبه کنی .ما برای صلح اورشلیم دعا می‌کنیم، به ویژه همانطور که تو در مزامیر ما را به آن تشویق کرده‌ای .پروردگارا، باشد که صلح باشد، نه صلح کاذب، بلکه صلح حقیقی

و پدر، همانطور که این روز را با هم آغاز می‌کنیم، دعا می‌کنیم که در مطالعه به ما کمک کنی، به من کمک کنی تا به روشنی تدریس کنم، و به همه ما کمک کنی تا به روشی که برای تو مفید و خوشایند باشد، یاد بگیریم .ما این چیزها را به نام شکرگزاری مسیح می‌پرسیم، آمین

خب، ما داریم پیش می‌رویم، و امروز کارهای زیادی برای انجام دادن داریم، و بخشی از آن مربوط به گاهشماری است، و گاهشماری مربوط به تاریخ‌ها است، و تاریخ‌ها مربوط به چیزهایی است که باید به خاطر بسپاریم .

خب ، قرار نیست چیز زیادی باشد، اما اگر به خلاصه سخنرانی امروز نگاه کرده باشید، می‌دانید که من به شما کلیات و مرور کلی از تاریخ مصر، تاریخ سلسله‌ها را ارائه می‌دهم، فقط برای اینکه بفهمیم کجا قرار است قرار بگیریم، احتمالاً خروج، اقامت اسرائیل در مصر و خروج .و اگر به دقت به یادداشت‌ها نگاه کرده باشید می‌دانید که در مورد این موضوع، از نظر تاریخ وقوع این رویداد، سؤالاتی وجود دارد .بنابراین، ما قصد داریم مدتی را به این موضوع اختصاص دهیم و به طور کلی به مصر نگاه کنیم

و مطالعه در آنجا وسوسه‌انگیز MESP یا JUC من چند عکس از مصر دارم که به شما نشان دهم .رفتن به است، اما این موضوع اینجا تا حدودی فرعی است .و سپس در پایان ساعت، قرار است زمانی را نیز صرف بررسی خروج ۱ تا ۳ کنیم

خب، این مسیری که داریم میریم .چند تا سوال برای شروع؟ چند دقیقه .باید برای امتحان جمعه درس می‌خواندی

،چه درس‌هایی آموختیم؟ چه درس‌هایی از این روایت‌های پدرسالارانه آموخته‌ایم؟ به عبارت دیگر، ابراهیم اسحاق، یعقوب و البته یوسف که پسر یعقوب پدرسالار است .آیا درس خاصی وجود دارد؟ سارا .بله، این به ویژه در روایت ابراهیم واضح است، اینطور نیست؟ اما همچنین، در روایت اسحاق، او سعی دارد با پسرانش اوضاع را دستکاری کند

کاملاً. و ربکا هم همینطور. خب، می بینیم که، برای خلاصه کردنش، اما خیلی خوب شد که در یک کلمه خلاصه شد، حاکمیت

حاکمیت خدا. البته، سوال انشای شما در مورد همین موضوع بود. آیا درس دیگری وجود دارد که به نظر شما به طور خاص با حرکت از پیدایش به خروج مرتبط باشد؟ مریم

بله، آن افراد درست مثل ما هستند. آنها مقدسین کوچک آن پشت نیستند، همانطور که ما مقدس نیستیم. البته، ما در مسیح مقدس هستیم، اما نکته این است که آنها هم کاستی‌ها و نقاط ضعف خودشان را داشتند

و ما می بینیم که خدا گاهی اوقات علی‌رغم میل خودشان در زندگی آنها کار می‌کند، همانطور که او گاهی اوقات عملاً علی‌رغم میل خودمان در زندگی ما کار می‌کند. خب، می‌توانیم همین‌طور ادامه دهیم، اما کارهایی برای انجام دادن داریم. بگذارید در اینجا فقط نکته‌ای را بگویم

، گاهی اوقات سولاتی مطرح می‌شود: خب، چطور می‌توانیم چیزی در مورد تاریخ‌ها از نظر اواخر دوران باستان ببخشید، دوران باستان، دوره‌های خیلی قبل‌تر از آن زمان بدانیم؟ و چند نکته وجود دارد که باید در نظر داشته باشید. اجازه دهید اول از همه، در مورد این یادداشت فهرست پادشاهان آشوری نکته‌ای را بیان کنم. چیزهای زیادی می‌توانم در آنجا بگویم

فعلاً فقط همین را باید بگویم. فهرست‌هایی از پادشاهان، نام پادشاهان، پادشاهان آشوری وجود دارد، و جالب اینجاست که آنها فقط فهرست نیستند، بلکه اغلب رویدادهای بسیار مهمی را نشان می‌دهند که همزمان با آن پادشاهان رخ داده‌اند، درست است؟ و یکی از آنها که از نظر تاریخ‌گذاری برای ما بسیار مفید است، این است که در سال ۷۶۳، یک کسوف رخ داد. خب، این یک رویداد نجومی بزرگ است، و همزمان با یکی از پادشاهان ذکر شده است

و چون می‌توانیم آن را از نظر نجومی تاریخ‌گذاری کنیم، چون البته ستاره‌شناسان می‌توانند به عقب برگردند و به تمام این چیزهایی که به طور منظم در طول قرن‌ها و هزاره‌ها آشکار می‌شوند، نگاه کنند، چون می‌توانیم آن کسوف را تا سال ۷۶۳ میلادی تاریخ‌گذاری کنیم، که این تاریخ‌گذاری برای ما فراهم می‌کند تا شروع به ایجاد گاه‌شماری‌های نسبی از آشور تا منطقه خاص خودمان، که البته اسرائیل است، کنیم، زیرا ما در اسناد خود به پادشاهان آشوری اشاره کرده‌ایم. و بنابراین، همانطور که گفتم، ما یک معیار خوب داریم که همه مشکلات را حل نمی‌کند. مشکلاتی در مورد هم‌دوره‌ای‌ها و همپوشانی‌ها و غیره وجود دارد، اما با این وجود مفید است

بنابراین این اولین نکته‌ای است که باید در نظر داشته باشید. ما واقعاً می‌توانیم تا حدودی در مورد تاریخ‌گذاری اطلاعات داشته باشیم، به همین دلیل است که حتی می‌توانیم در مورد آن صحبت کنیم. نکته دوم، اگر بخواهیم بگویم، گاه‌شماری مصری کمی مرموزتر است و سیستم‌های مختلفی برای فهمیدن گاه‌شماری مصری وجود دارد

همانطور که شروع به ذکر تاریخ‌های تقریبی مربوط به سلسله‌های مصر و سلطنت فراعنه خاص و غیره می‌کنم، از سیستم گاه‌شماری، سیستم گاه‌شماری، که تاریخ باستان کمبریج از آن پیروی می‌کند، استفاده خواهیم کرد. لازم نیست آن را یادداشت کنید، اما فقط توجه داشته باشید که این یک سیستم است. این همان سیستمی است که من دنبال می‌کنم

همه از آن پیروی نمی‌کنند. بنابراین، اگر به جای دیگری بروید و به متن خاص دیگری در مورد تاریخ مصر نگاه کنید، احتمالاً خواهید دید که ممکن است تغییرات یا نوساناتی در تاریخ حاکمان سلسله‌های مصری در حدود ۲۰ تا ۲۰ سال مشاهده کنید. بنابراین، این را در نظر داشته باشید ۱۵.

حالا، یک سوال از شما دارم. این سوال همیشه وقتی به مصر می‌رویم و شروع به بررسی چیزها می‌کنیم، پیش می‌آید، و می‌دانید، انواع متون در مصر وجود دارد.

چرا ما هیچ مدرکی دال بر حضور اسرائیل در مصر نمی‌بینیم؟ چرا طبق آنچه خروج فصل ۱۲ به ما می‌گوید، اگر آنها ۴۳۰ سال آنجا بوده‌اند، هیچ چیزی آنجا نیست؟ چرا هیچ مدرکی وجود ندارد؟ چرا در این ماجرای دراماتیک به نام خروج، چلسی، هیچ اشاره‌ای به ترک مصر نشده است؟ خب، پس بدیهی است که چون شرم‌آور است، یک شرمساری کامل، قرار نیست در مورد آن بنویسند. این کاملاً منطقی است. خوب.

و ما به آن برمی‌گردیم. این یکی از دلایل اصلی ماست. چیز دیگری هم هست؟ بکا.

خوب. در واقع، مصر تا سال ۱۲۲۰ به اسرائیل به عنوان یک ملت نگاه نمی‌کرد، تا اینکه یکی از فرعون‌های سلسله نوزدهم واقعاً از اسرائیل نام برد و در آن زمان، آنها دوباره به سرزمین خود بازگشته بودند. این می‌تواند بخشی از توضیح باشد.

آنها صرفاً بخشی از این گروه بسیار گسترده‌تر از افرادی هستند که به بردگی گرفته شده بودند. ما شواهدی از آسیایی‌ها داریم. مصری‌ها از آسیایی‌هایی صحبت می‌کنند که نیروی کار برده آنها بوده‌اند، و می‌دانید، تعدادی مکان وجود دارد که در آنها تصاویر روی دیوارها و نقش برجسته‌ها و غیره وجود دارد که نشان می‌دهد این آسیایی‌ها به عنوان نیروی کار برده خدمت می‌کردند.

احتمالاً بنی اسرائیل بخش کوچکی از آن بودند. چیز دیگری هم هست؟ خب، چند نکته هست که باید در نظر داشته باشید. نکات زیادی هست که باید در نظر داشته باشید.

مناطق دلتا، جایی که بنی اسرائیل در درجه اول در آن ساکن شدند، دوباره، به دلتا فکر کنید. به رودخانه نیل فکر کنید که جاری است و گلزارهایی را رسوب می‌دهد، قرن‌ها و قرن‌ها گل‌زار. این منطقه، منطقه مناسبی برای حفظ چیزهای زیادی نیست.

در واقع، کاوش‌هایی که در برخی از محوطه‌های مناطق دلتا انجام شده، چیزهایی را یافته‌اند، اما اغلب اوقات آنها به نوعی غرق در گل و لای هستند. بنابراین تعداد بسیار کمی، احتمالاً نباید گفت که هیچ خانه‌ای حفظ شده است، اما حتی سازه‌های یادبود بسیار کمی حفظ شده‌اند. بدیهی است که اگر در مورد چنین آب و هوایی صحبت می‌کنیم، هر چیزی که از پاپیروس ساخته شده باشد، مدت‌ها پیش از هم پاشیده خواهد شد.

و سه مورد بعدی، خب، بیایید مورد سوم و چهارم را کنار هم بگذاریم. همانطور که چلسی پیشنهاد داده است، فراعنه هرگز در مورد شکست خودشان چیزی نمی‌نوشتند. در واقع، ما شواهدی از یکی از فراعنه رامسس داریم، یادم نمی‌آید که دو تا هستند یا سه تا، اما می‌توانم برگردم و بررسی کنم: فرعون بزرگی که ادعای پیروزی عظیمی بر دشمنان در شمال در مکانی به نام قادش را دارد، در حالی که در واقع ما شواهدی از طرف دیگر داریم که می‌گوید این یک شکست عظیم برای او بوده است، درست است؟ بنابراین این به ما بخش کوچکی از انواع روش‌هایی را می‌دهد که آنها در مورد آن فکر می‌کردند.

حتی بیشتر، خب، شاید باید از نظر فلسفی بگوییم، این نکته چهارم اینجاست. کلمات برای فرهنگ مصری نیز به نوعی مهم هستند. ما به کلام الهام شده خدا به عنوان چیزی که دارای قدرت و هیجان و غیره است فکر

می‌کنیم، و همینطور هم هست. اما مصریان نیز این حس را در مورد کلمات داشتند، و من سعی کرده‌ام این را در اینجا خلاصه کنم.

آنها این کلمات را از جانب خدایان و بنابراین قدرتمند می‌دانستند. به برخی از شباهت‌ها در اینجا توجه کنید. اگر چیزی نوشته شده باشد، اینجا جایی است که جالب می‌شود.

اگر چیزی نوشته می‌شد، آن رویداد احتمالاً می‌توانست تکرار شود. بنابراین، اگر این شکست عظیم مصریان را داشتید، گذشته از همه شرم و تحقیر، آن را نمی‌نوشتید زیرا احتمال تکرار آن وجود داشت. و سپس، اگر نوشته نشود، انگار اصلاً رخ نداده است، همین.

در نهایت، اگر به مورد پنجم بروید، این [موضوع] از منظر اسرائیل مطرح می‌شود و به آن نگاه می‌شود. هیچ ملتی روایتی از خود نمی‌سازد، باشه؟ هیچ ملتی روایتی از ریشه‌های اسارت و بردگی خود نمی‌سازد. احتمالاً این روایت، هسته یا جوهره‌ای در حقیقت دارد.

بنابراین، همه این موارد در کنار هم ممکن است به ما کمک کند تا در مورد این موضوع به پاسخ‌هایی برسیم. اکنون، چیزهای بیشتری می‌توانیم در مورد آن بگوییم، اما طبق معمول، می‌خواهیم به بحث اصلی بپردازیم. آیا همه اینها برای شما منطقی است؟ دیدگاه‌های مختلفی در این مورد وجود دارد، اما این کمی به ما کمک می‌کند.

خب، این هم خلاصه‌ای که به شما قول داده بودم، و باز هم، در یادداشت‌هایتان روی تخته سیاه آمده است. پس اجازه دهید نکات کلیدی اینجا را برایتان توضیح دهم. دوره سلسله‌های اولیه، هزاره‌ها پیش، در واقع حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد و صدها سال بعد از آن را در نظر داریم.

مصر علیا و سفلی به هم می‌رسند، و این بسیار قابل توجه است. شما شواهدی از این و اهمیت آن را در قرن‌های بعدی می‌بینید، وقتی به برخی از این چیزهایی که در معبد کارناک و غیره پیدا می‌کنیم نگاه می‌کنید. اما، برای اهداف ما، به پادشاهی قدیم که می‌رسیم، وقتی اهرام را در مصر می‌بینیم، فکر می‌کنم قبلاً این را گفته‌ام. به خاطر داشته باشید که آنها قبلاً زمانی که ابراهیم و سارا به مصر رفتند، آنجا بوده‌اند.

آنها از قبل آنجا هستند، سازه‌های عظیم و عظیم یادبود. این واقعیت که آنها ساخته شده‌اند و پیامدهای آنها از نظر توانایی نجومی و معماری این سازندگان، نکته قابل توجهی را در مورد این فرهنگ به ما می‌گوید. برای اهداف ما، همانطور که به اولین دوره میانی نگاه می‌کنیم، احتمالاً این زمان است، اگر تاریخ اولیه‌ای را، برای خروج در نظر بگیریم، که کمی بعد به آن خواهیم پرداخت، احتمالاً این زمانی است که ابراهیم، ببخشید بله، ابراهیم و سارا و همراهان کوچکشان به آنجا می‌رفتند.

باز هم، ضمناً، من زمان زیادی را صرف صحبت در مورد تاریخ خروج خواهم کرد، زیرا چه خواهیم چه نخواهیم، بسیاری از مسائل دیگر در مورد تاریخ‌گذاری پدران قوم به آن بستگی دارد. بنابراین دانستن این موضوع مفید است. به هر حال، آن دوره، دوره تفرقه و ضعف است که می‌تواند توضیح دهد چرا این هجوم آسیایی‌ها وجود دارد. شاید ابراهیم و سارا بخشی از آن تصویر کلی باشند که در طول قحطی از بین می‌روند.

در دوران پادشاهی میانه، مصر دوباره ظهور کرد و بسیار مهم شد. سلسله اصلی، سلسله دوازدهم، توجه کنید که چقدر طول کشید، و زمان مشخصی از گسترش بود. حالا فراتر از آن، اوه، ضمناً، در آن زمان هم همینطور خواهد بود، دوباره، اوه، ادامه بده، بکا.

نه، نه با یوسف. یادت هست که گفته شده ابراهیم و سارا به مصر رفتند؟ این همان ماجرای پیدایش ۱۲ است. آن موقع باید همین اتفاق می‌افتاد.

بله، قحطی‌ای که بعداً در موردش صحبت خواهیم کرد، همین‌جا خواهد بود. باز هم، این احتمالاً به زمان خروج بستگی دارد، درست است؟ اما اگر قرار باشد یوسف و تمام برادران، تمام خانواده را در نظر بگیریم، در این دوره پادشاهی میانه خواهد بود. که به شما نشان می‌دهد، متشکرم، منظورم این است که این سوال خوبی است زیرا کمی به ما نشان می‌دهد که قحطی چند وقت یکبار این منطقه را ویران می‌کند. شما فقط یک قحطی ندارید؛ به نظر می‌رسد که چندین بار اتفاق می‌افتد زیرا آنجا شرایط بسیار شکننده‌ای وجود دارد.

خب، به هر حال، برای اهداف ما، می‌خواهیم به دو نکته‌ی نسبتاً مهم دیگر در اینجا توجه کنیم. اول، علاوه بر دوره‌ی میانی اول، یک دوره‌ی میانی دوم هم داریم و این نام تا حدودی مهم است. هیکسوس.

بعضی از خارجی‌ها، یک مورخ مصری خیلی بعدتر آنها را پادشاهان چوپان می‌نامد، اما ما واقعاً مطمئن نیستیم که این درست باشد، اما آنها خارجی‌هایی بودند که به مصر نقل مکان کردند و در واقع حدود ۱۵۰ سال حکومت مصر را به دست گرفتند. هیکسوس‌ها در پایان این دوره هستند. آنها از حدود ۱۷۰۰ تا حدود ۱۵۵۰ حکومت خواهند کرد و مصری‌ها آنها را دوست ندارند.

در واقع، مصری‌ها از آنها متنفرند. در نهایت، پادشاهی جدید با مردی به نام اهمسه آغاز می‌شود که هیکسوس‌ها را بیرون می‌کند و سلسله خودش را تأسیس می‌کند. بسیار خوب؟ حالا، دلیل اینکه این موضوع برجسته شده این است که مهم نیست چه تاریخی را برای خروج در نظر بگیرید، چه زود باشد چه دیر، و دوباره، من به زودی به آن برمی‌گردم، مهم نیست چه تاریخی را برای خروج در نظر بگیریم، این اتفاق در دوره پادشاهی جدید رخ می‌دهد.

و ما قصد داریم آن را بسط دهیم. ما قصد داریم پادشاهی جدید را به طور قابل توجهی در یک لحظه گسترش دهیم. باشه، هنوز با من موافقی؟ سوالی دارید؟ این تصویر کلی است.

این‌ها اهرام هستند، و باز هم، این‌ها همان‌هایی هستند که در زمانی که حتی ابراهیم و سارا به آنجا رفتند وجود داشتند. اگر می‌خواهید کمی از زاویه دید آنها را ببینید، من بالای یک هرم کوچک ایستاده‌ام. این دقیقاً نوک یک هرم کوچک است، که شبیه آن یکی است.

آنها برای همسران، همسران مختلف فراغنه بودند. اینها سه همسر اصلی اینجا هستند، خوفو، خفران و مناکاری. حالا بیایید روی پادشاهی جدید تمرکز کنیم.

و این هم از این. بگذارید ببینم می‌توانم راه حلی برای آن پیدا کنم یا نه. و اگر لازم است سرعتم را کم کنم یا چیزی شبیه به این، لطفاً سؤالی بپرسید.

آمنه‌تپ‌ها و توت‌ها را دارید. آیا آنها را می‌بینید؟ نکته‌ای که باید در نظر داشته باشید این است که آمین یک خداست، و همچنین توت یا توت.

اینها نمایانگر نام‌های خدا هستند. و بعد، اگر با دقت نگاه کنید، متوجه می‌شوید که یک موسی هم آنجاست، که ممکن است به نوعی با موسی نسبتی داشته باشد. به آن هم توجه کنید.

حالا، دو نکته‌ای که می‌خواهم به آنها توجه کنید، و کمی بعد در مورد این فهرست بیشتر صحبت خواهم کرد، اما دو نکته‌ای که می‌خواهم همین الان به آنها توجه کنید، بدیهی است که نام‌های هایلایت شده در اینجا هستند. اگر قرار باشد تاریخ زودهنگامی را برای خروج در نظر بگیریم، در دوران سلطنت آمنه‌تپ دوم است ... حالا که این موضوع مشخص شد و در آنجا هایلایت شد، می‌توانیم کمی به عقب برگردیم.

آیا می‌دانید موسی در زمان خروج از مصر چند ساله بود؟ او ۸۰ سال دارد، درست است؟ بنابراین، اگر واقعاً خروج از مصر اتفاق افتاده باشد، و باز هم، خیلی زود به تاریخ احتمالی نزدیک شدن به آن تاریخ می‌رسیم، اما شما ۸۰ سال به آن اضافه می‌کنید، و سپس پیشنهاد این است که احتمالاً در زمان سلطنت توتمس اول است که تولد موسی را داریم، زیرا شما فقط محاسبات خود را انجام می‌دهید و به این نتیجه می‌رسید. تا اینجا خوب بوده است؟ این دو نکته‌ای است که باید به آنها توجه کنید.

حالا، دو مورد دیگر که می‌خواهیم در موردشان یادداشت برداری کنیم. به نام حتشپسوت توجه کنید. حتشپسوت یک زن است.

همانطور که می‌بینید، او خواهر و همسر توتمس دوم است. حتشپسوت زنی فوق‌العاده سرزنده و جسور بود. او فقط یک پیرمرد معمولی نبود.

او در واقع سلطنت می‌کند، بله، همزمان با سلطنت، اما برای مدتی سلطنت می‌کند، و معبد مخصوص به خود را دارد. او تاجگذاری شد. تصاویری از او وجود دارد که نشان می‌دهد خدایان مصر تاجگذاری او را به عنوان حاکم بر عهده گرفته‌اند.

در واقع، معلوم شد که توتمس سوم، که پس از مرگ او به سلطنت رسید و پس از مرگش نایب‌السلطنه مشترک او بود، در واقع زحمت محو کردن تصاویری که او را به تصویر می‌کشیدند را به خود داد، زیرا از این احتمال که او واقعاً حکومت کرده باشد خوشش نمی‌آمد، اما به نظر می‌رسد که او زن نسبتاً قدرتمندی بوده است. باز هم، به این نکته توجه کنید. این مهم است.

و در نهایت، توجه داشته باشید که ما نامی هم داریم که ممکن است با آن آشنا باشید، اخناتون، که اگر در تاریخ خود در این زمینه مطالعه‌ای داشته باشید، می‌دانید که او کسی است که نوعی شبه‌توحید را وارد فرهنگ مصر کرد. اما دوام نیاورد. دوام نیاورد.

اما پیشنهاد این است که اگر قرار است قبل از آن، خروج دسته‌جمعی رخ دهد، شاید، فقط شاید، روایتی از قدرت این خدایی که خروج دسته‌جمعی را انجام داده و این مردم را از مصر بیرون آورده، وجود داشته باشد شاید این قدرت به اندازه کافی قوی بوده که در آن زمان بر تفکر او تأثیر گذاشته باشد. باز هم، این قدرت دوام نمی‌آورد.

بعد از سلطنت او، کل فرهنگ شرک‌آلود دوباره حاکم می‌شود. حالا، قبل از اینکه ادامه بدهیم، سوالی دارید؟ آیا ما خوبیم؟ ما خوبیم. بسیار خوب.

راستی، این فقط چند عکس است تا کمی با این موضوع آشنا شویم. این معبد آرامگاه حتشپسوت است. توجه داشته باشید که اینجا سه طبقه مختلف وجود دارد.

یکی درست وسط و بعد سومی هم آن عقب. همه در داخل، دیوار به دیوار پر از تصاویر حتشپسوت است. این حتشپسوت، آن، کارهای مهمی که انجام داده و غیره و غیره، خدایان و الهه‌هایی که از نظر او مهم هستند.

بنابراین، علاوه بر این، یک مکان بسیار مهم - ضمناً، در سمت غربی نیل است. این مکان‌هایی که قبور، معابد تدفین و مقبره‌های پادشاهان بودند، در سمت غربی نیل قرار داشتند. معابد در واقع در سمت شرقی نیل بودند.

این جزئیاتی از تاجگذاری حتشپسوت است. و توجه داشته باشید که او توسط هر کسی تاجگذاری نمی‌شود، او توسط، همانطور که قبلاً گفتم، تاجگذاری می‌شود، بیایید ببینیم آیا می‌توانم این اشاره‌گر را به کار بیندازم، خدایان.

اسم خدای شاهین یادم نمی‌آید. یکی کمکم کند. این دارد حافظه‌ام را از دست می‌دهد.

دوباره بگو. آره، تقریباً درست به نظر می‌رسه. ممنون.

فقط یک نکته‌ی کوتاه. احتمالاً مهم‌ترین معبد در منطقه‌ی اقصی، جایی که معبد یادبود حتشپسوت نیز قرار دارد، معبد کارناک است که همچنان پابرجاست. بسیار عظیم است.

بخش‌های عمده‌ای از سلسله هجدهم در آن وجود دارد، اما تا زمان اسکندر کبیر ادامه دارد، که او نیز اثر خود را به آن اضافه کرد. بنابراین بسیار قابل توجه است. در اینجا یک هرم سنگی داریم.

و اینجا، فکر می‌کنم، بله، یک ابلیسک داریم که هرگز به معبد نرسید. آنها در واقع این چیزها را از گرانیت بسیار دورتر از ساختمان معبد، تراشیدند و سپس، باور کنید یا نه، آنها را روی رود نیل شناور کردند، به محوطه معبد آوردند و نصب کردند. آه، اگر علاقه‌مند باشید، این یکی برینتون است که در پایین آن ژست گرفته است.

جالب نیست؟ و بعد متوجه می‌شوید که یک دانش‌آموز دیگر درست اینجا ایستاده است. بنابراین، شما یک نوع اندازه را به دست می‌آورید. البته، هیچ کاری با این انجام نشده است زیرا در این فرآیند ترک خورده و بنابراین گرانیت ناقص بوده است.

آنها نمی‌توانستند از آن به عنوان یک هرم سنگی استفاده کنند. اما این به شما کمی درک می‌دهد که چگونه، برخی از این چیزها کار می‌کردند. اما باز هم، نبوغ این افراد، بیرون آوردن آن از زمین، چیزی به آن بزرگی انداختن آن روی یک نوع کلک و شناور کردن آن در نیل تا در واقع راه خود را به خود معبد باز کند.

خب، اینجا ما در مرکز واقعی هستیم، ستون ستونی معبد. فکر می‌کنم ۱۳۶ تا از این ستون‌های اصلی در آن قسمت از معبد کارناک وجود دارد. عکس گوردون هم آنجاست.

و این تنها یکی از راه‌های اصلی تشریفاتی بین این معبد خاص که به آن نگاه کردیم و خود معبد اقصی است. آن معبد کارناک بود، معبد اقصی. بیایید روی پادشاهی جدید تمرکز کنیم، و سپس برمی‌گردیم و چند عکس دیگر. در مورد کارهای رمزی را بررسی می‌کنیم.

ما به سلسله هجدهم نگاه می‌کردیم. اگر تاریخ اولیه‌ای برای خروج داشته باشیم، همان سلسله هجدهم است. حالا می‌خواهیم به سلسله نوزدهم نگاهی بیندازیم.

اگر تاریخ متأخری برای خروج داشته باشیم، باید بفهمیم چه کسانی در سلسله نوزدهم بوده‌اند، زیرا نظریه تاریخ متأخر، خروج را در آن زمان پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، فقط نگاهی گزینشی به چهره‌های اصلی سلسله نوزدهم داریم. باز هم، کامل نیست، اما برای اهداف ما کافی است.

ستی اول شروع می‌کند. ضمناً، او به سرزمین اسرائیل حمله می‌کند، اما این موضوع در حال حاضر فراتر از توجه ماست. رمزی دوم همانی است که می‌خواهید برجسته کنید.

احتمالاً باید اینجا برجسته شود. به چند نکته در مورد رمزی توجه کنید. توجه کنید که او چه مدت سلطنت می‌کند.

ضمناً، می‌توانید به موزه ملی قاهره بروید و هنوز مومیایی رمزی را در آنجا ببینید، رمزی دوم. کمی جالب است. به هر حال، ما اینجا یک فرعون داریم که مدت‌ها حکومت کرده است.

حالا، نام اوست که مهم است. به این موضوع توجه کنید، چون در کتاب خروج به ساخت شهرهای فیتوم و رعسمیس اشاره شده است. آیا آن را به خاطر دارید؟ و بنابراین برخی فکر می‌کنند، خب، اگر کتاب خروج در مورد ساخت این شهر توسط بنی اسرائیل صحبت می‌کند، که یکی از آنها شهر رمزی است، پس باید نام این مرد، رمزی، که مدت زیادی سلطنت کرد و سازنده بناهای تاریخی بود، باشد.

احتمالاً از بین تمام فراغنه، رعسمس دوم بیشتر تلاش می‌کند تا رد پای خود را در سراسر سرزمین مصر به جا بگذارد. معبد پس از معبد پس از معبد پس از سازه‌های بزرگ. بنابراین، دانش آموزان به مطالب موجود در فصل اول کتاب خروج نگاه می‌کنند و می‌گویند که اشاره به رعسمس باید به این معنی باشد که خروج در زمان سلطنت رمزی دوم اتفاق افتاده است.

، خب، بعد از آن، باید به این نکته هم توجه کنیم. شخصی به نام مرنپتا، گاهی اوقات آن را مرنپتا می‌بینید، می‌تواند بچرخد، اما این روش مناسب‌تر برای خواندن آن است. او بعد از آن فرعون است و برای ما EN که مهم است زیرا او می‌رود، و شما در مورد آن در عهد عتیق مشابهت‌هایی می‌خوانید، او یک سنگ ایستاده به نام استل یا بنای یادبود به جا می‌گذارد.

و در آن آمده است که او، در میان سایر اقوام، بنی اسرائیل را مورد ضرب و شتم قرار داد. او آنها را اسرائیل می‌نامد. و این اتفاقاً به حدود سال ۱۲۲۰ میلادی برمی‌گردد.

بنابراین، اگر این درست باشد، این مربوط به یکی از لشکرکشی‌های اوست؛ ضمناً، این در مصر اتفاق نمی‌افتد؛ این مربوط به یکی از لشکرکشی‌های اوست که از طریق سرزمینی که بعداً اسرائیل خواهد شد، یعنی از طریق سرزمین کنعان، انجام می‌شود. و او می‌گوید، من این شخص را گرفتم، شما او را می‌شناسید، من آن را گرفتم، من با اسرائیل جنگیدم. بنابراین، ما نشانه‌هایی داریم که اسرائیل تقریباً تا سال ۱۲۲۰ در آن سرزمین حضور دارد.

تا اینجا که خوب بوده؟ بیایید نگاهی به چند نکته در مورد رامساس بیندازیم. این رامساس دوم ماست. او انواع مجسمه‌ها را از خودش به جا می‌گذارد.

این یکی فقط یک نمای بسیار نزدیک از یکی از سرهای بزرگ است. به مار کبرا به عنوان بخشی از سریند او توجه کنید. مار کبرا، در میان بسیاری دیگر، یکی از خدایان اصلی مصر بود.

به اندازه‌اش توجه کنید. یکی از همسرانش اینجا بین زانوهایش است، و بعد من دارم انگشت پایش را آنجا قفلک می‌دهم. بنابراین، می‌توانید تصور کنید که این مرد چقدر بزرگ است.

این یکی از معابد مهم او در جنوب است. در واقع، درست در مرز مصر، مکانی به نام ابوسمبل است. اگر به مصر بروید، باید به آنجا بروید و این را ببینید.

این معبد به دلایل زیادی یک بنای یادبود است. آیا تا به حال در مورد این موضوع اینجا صحبت کرده‌ام؟ خب، کمی بحث را به حاشیه می‌بریم. وقتی نصار، که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ رئیس جمهور مصر بود، بهترین سیاستمدار جهان نیست، اگر با تاریخ مدرن اینجا کاری کرده باشید.

اما به هر حال، او این ایده را داشت که می‌خواهد سدی روی رود نیل بسازد تا طغیان نیل را کنترل کند، که اتفاقاً، کار خیلی هوشمندانه‌ای نبود زیرا این به معنای مختل شدن طغیان منظم نیل و رسوب شگفت‌انگیز گل، و لای در دشت سیلابی بود که برای بهره‌وری کشاورزی ضروری بود. اما او می‌خواهد طغیان را کنترل کند بنابراین سد را می‌سازد، و البته، پشت سد چه چیزی قرار خواهد بود؟ یک دریاچه بزرگ. و آن دریاچه بزرگ قرار بود این معبد و در واقع یک معبد خواهر که در همان نزدیکی بود را زیر آب ببرد.

این رامسس است، و بعد یکی هم برای همسر مورد علاقه‌اش، نفرتیری، هست. نه نفرتیتی، نفرتاری، آره، و او به هر حال، جامعه بین‌المللی عصبانی شد چون می‌دانستند که همه این چیزها زیر آب خواهد رفت، و بنابراین در اوایل دهه ۶۰ مبلغ قابل توجهی پول جمع‌آوری کردند.

یادم نیست چند میلیون بود، اما خیلی گران بود. این چیز را سنگ به سنگ، تکه به تکه از سنگ بریدند، روی همه‌اش برچسب زدند و از شیب بالا بردند. اینجا یک کوه مصنوعی است، باشه؟ آن یک کوه مصنوعی است.

این یک کوه ساخته شده است که در آن این معبد و معبد همسر مورد علاقه‌اش در طرف دیگر قرار دارد. این فقط یک نمای بیرونی نیست. می‌توانید از درها عبور کنید و ما حداقل یک مکان را به طور خلاصه در داخل به شما نشان خواهیم داد.

آن چهار مجسمه، خود رامسس هستند. این دومی همینجا قبلاً افتاده بود، ظاهراً در دوران باستان افتاده بود. بنابراین، آن را افتاده رها کردند، منظورم این است که آن را به جایی که قرار بود نجات داده شود، بردند و همانجا به همان حالت افتاده رهاش کردند.

آن مجسمه‌ها ۶۷ فوت ارتفاع دارند، بنابراین دوباره، این به شما ایده‌ای در مورد اندازه این چیز خاص می‌دهد. اینجا ما جلوی آن ایستاده‌ایم. اگر از آن در وارد شوید، از آنجا عبور کنید، اتاق به اتاق پر از تصاویر و غیره است.

اما اینجا در محراب داخلی، اگر بخواهید، چهار خدا هستند که یکی از آنها خدای دنیای زیرین، ست، است. و کلی چیزهای دیگر که می‌توان در مورد آن گفت. اما به هر حال، آنجا معبد رامسس ماست.

راستی، اینها بابون‌هایی هستند که اینجا روی هم چیده شده‌اند. بابون‌ها مهم بودند چون منتظر طلوع خورشید بودند. وقتی خورشید طلوع می‌کرد، شروع به خش‌خش و حرکت می‌کردند.

البته، چرا این موضوع مهم است؟ خدای اصلی خورشید است. بسیار خوب، بیایید ادامه دهیم. این فقط نگاهی گذرا به مصر، به ویژه گاهشماری‌های سلسله‌های هجدهم و نوزدهم و برخی از چیزهای مرتبط با آنها بود.

رامسس را نشان دادم چون می‌خواهم با این موضوع آشنا شوید که رامسس چه سازنده‌ی برجسته‌ای بود، و فقط تا همین حد به شما نشان دادم. بسیار خوب، حالا بیایید به داده‌های کتاب مقدس نگاهی بیندازیم. اول فصل اول سفر خروج.

می‌توانم راهم را آنجا پیدا کنم. بگذارید کمی بخوانم. در آیه ششم، یوسف و همه برادرانش و تمام آن نسل مردند، اما بنی‌اسرائیل بارور شدند، بسیار تکثیر شدند و به قدری زیاد شدند که زمین از آنها پر شد.

به همان عبارت پردازی که در مورد برکت خدا بلافاصله در پیدایش اول و همچنین پس از طوفان داریم، توجه کنید. پربار و کثیر. آیه هشتم، سپس پادشاه جدیدی که از یوسف خبر نداشت، به قدرت رسید.

او گفت که بنی‌اسرائیل خیلی زیاد شده‌اند. بیایید با آنها با زیرکی رفتار کنیم وگرنه تعدادشان بیشتر هم خواهد شد. و اگر جنگ شروع شود، آنها به دشمنان ما می‌پیوندند، علیه ما می‌جنگند و کشور را ترک می‌کنند.

بنابراین، آنها برده‌دارانی را بر آنها گماشتند تا آنها را با کار اجباری سرکوب کنند، و اینجا دو شهر ما، فیتوم یا پیاتوم و رعمسیس، به عنوان شهرهای ذخیره برای فرعون ساخته شده است. هر چه بیشتر مورد ظلم و ستم قرار می‌گرفتند، بیشتر تکثیر و گسترش می‌یافتند. مصریان از بنی‌اسرائیل می‌ترسیدند و آنها را بی‌رحمانه به کار می‌گرفتند.

آنها زندگی خود را با کار و آجر و ملات و انواع کارهای مزرعه تلخ کردند. به عبارت دیگر، همه جا برده وجود دارد. می‌دانید، ما اغلب موسی و خدایان مصر یا هر فیلم دیگری را می‌بینیم، می‌دانید، آنها در حال ساختن اهرام هستند، که از نظر تاریخی نادرست است.

آنها کارگر مزرعه هستند. آنها آجر می‌پزند، بله، درست است، اما همه جا به عنوان کارگر مزرعه کار می‌کنند. البته فرعون می‌ترسد که آنها آنجا را ترک کنند.

این یعنی اگر آنها بروند، او بخش عمده‌ای از ساختار اقتصادی‌اش را از دست خواهد داد. به همین دلیل است که از این می‌ترسد. از دست دادن ساختار اقتصادی.

به هر حال، این فصل اول است. و ضمناً، یکی از چیزهایی که خیلی جالب است این است که وقتی فرعون می‌خواهد با این افراد زیرکانه برخورد کند، سه مرحله مختلف برای انجام این کار دارد. مرحله اول ظلم و ستم است.

دوم، به ماماها توصیه‌هایی داده می‌شود. و سوم، قرار است پسرچه‌ها را به رودخانه بیندازند. او سعی می‌کند این کار را مرحله به مرحله انجام دهد.

هر کدام به طرز وحشتناکی به ضررش تمام می‌شود، بنابراین او در نهایت آنقدرها هم زیبرک نیست. خب، به هر حال، فصل دوم، از نظر داده‌های ما در رابطه با تاریخ‌گذاری خروج، فصل دوم هم مهم است. او کسی را به قتل رسانده است.

خبر پخش می‌شود. او باید برود. و آیه ۲۳ در فصل دوم، آیه ۲۳، به ما می‌گوید که در آن دوره طولانی، پادشاه مصر مُرد.

پس، باید شاهد تغییر و تحولی در پادشاه مصر باشیم، درست است؟ اگر قرار باشد این را به هر دلیلی، بخوانیم. جایی بین زمان ظلم و ستم و تولد موسی، و سپس فرار او در سن ۴۰ سالگی، و سپس بازگشت او. باید در آن بخش آخر، تغییری در فرعون رخ دهد. بسیار خوب، تا اینجا، خوب است.

کسانی که تاریخ اولیه‌ای را برای خروج پیشنهاد می‌کنند، این کار را بر اساس موارد زیر انجام می‌دهند. از بین همه چیز، آنها از کتاب خروج شروع نمی‌شوند. ما به اول پادشاهان، فصل ششم، می‌رویم که اگر آیه اول را

بخوانید، و الان به آنجا نمی‌پردازیم، اما اگر آیه اول را بخوانید، می‌گویید، در ۴۸۰مین سال پس از خروج، معبد ساخته شد، درست است؟ بنابراین، به دلیل این موارد زمانی که قبلاً با شما در مورد آنها صحبت کردم، می‌توانیم تاریخ سلطنت سلیمان را تعیین کنیم.

ما می‌توانیم تاریخ داوود را تعیین کنیم. می‌توانیم تاریخ‌های دقیقی از آنجا به دست آوریم، و بنابراین، کاملاً مشخص است که معبد در سال ۹۶۶ ساخته شده است. و این یک تاریخ کاملاً قطعی است.

خیلی مشکلی نیست. پس، تنها کاری که باید بکنید این است که مثلاً بگویید ۹۶۶، یا بهتر بگویم ۴۸۰ سال قبل از آن، که البته چیز عجیبی نیست. ما تاریخ خروج را می‌دانیم.

نمودار کوچکی که الان به آن نگاه می‌کردید برگردید، آمهوتپ دوم حدود چهار سال قبل از آن پادشاه شد، درست است؟ بنابراین، یک جابجایی در آنجا وجود دارد. پادشاه قبلی رفته است، آمهوتپ دوم پادشاه می‌شود، موسی می‌تواند از مدین بازگردد، و این هم خروج.

حالا، فقط در مورد نسل‌ها، نکته بعدی مهم است زیرا به زودی دلیل آن را خواهید دید. وقتی اول تواریخ ۶ را می‌خوانید، می‌گویید بین این مرد که تقریباً در زمان خروج زندگی می‌کرد، ۱۸ نسل وجود دارد؛ نام او قورح است، ما در نهایت همه چیز را در مورد او در اعداد فصل ۱۶ خواهیم خواند، و او از نوادگان هامان همنام خودش است که در زمان داوود زندگی می‌کرد. خوب؟ هجده نسل.

حالا، اگر قرار باشد تقریباً ۲۵ سال برای هر نسل در نظر بگیرید، چون تقریباً درست است، پس ما تقریباً دوره زمانی مناسبی داریم. پس، فقط باید محاسباتتان را انجام دهید. کمی تأیید وجود دارد.

مستقیماً به خروج اشاره نمی‌کند، اما این حس را به ما می‌دهد که شاید آن بازه زمانی تقریباً درست باشد. آیا من هنوز انگلیسی صحبت می‌کنم؟ بسیار خوب. چند چیز دیگر، چند چیز دیگر، چند چیز دیگر.

اوه خدای من. آره. بیا اینجوری انجامش بدیم.

خب، شروع می‌کنیم. یک مدرک غیرمستقیم و در عین حال بسیار جالب دیگر، وقتی کتاب داوران را می‌خوانیم، که قرار است چند هفته دیگر به آن پردازیم، و درباره این داور به نام یفتاح می‌خوانیم که به عنوان بخشی از کار داوری خود، باید با عمونیان بجنگد. اما او ابتدا برای آنها نامه می‌نویسد.

و بخشی از آن نامه در داوران ۱۱، آیه ۲۶ نقل شده است. در آن متن، او می‌گوید که قوم ما ۳۰۰ سال است که در این شهرها زندگی می‌کنند. خوب، قبول.

بیا بعد از اینجا شروع کنیم. اگر یفتاح در اواخر دوره داوران زندگی می‌کرده است، و این حدود اواسط قرن یازدهم، به عبارت دیگر، دهه ۱۰۰۰ میلادی، به پایان می‌رسد، پس می‌توانیم یفتاح را حدود سال ۱۱۰۰ میلادی قرار دهیم، شاید، شاید. ما تاریخ دقیقی برای او نداریم، اما شاید.

و بعد تنها کاری که باید انجام دهید این است که عدد ۳۰۰ را به آن اضافه کنید، و چه خواهید داشت؟ شما سال ۱۴۰۰، خروج در سال ۱۴۴۶، ۴۰ سال سرگردانی در بیابان را دارید، زیرا این نافرمانی اسرائیل، یک فتح است. حدود سال ۱۴۰۰، مردم در شهرهایی که یفتاح می‌گوید ۳۰۰ سال در آنها زندگی کرده‌اند، ساکن شدند. شما اینجا کمی بی‌حس به آن نگاه می‌کنید.

اما اشکالی ندارد. می‌دانم که تاریخ‌ها این کار را می‌کنند. چند نکته‌ی دیگر در این مورد.

اگر واقعاً این قضیه آنطور که من پیشنهاد دادم پیش برود، پس ما واقعاً شاهد فرار موسی تحت حکومت توتمس سوم هستیم، که شخصیتی نسبتاً مهم است، شخصیتی نسبتاً مهم. و کسی که تحت حکومت او بازگشت، آمنهوتپ دوم خواهد بود. حالا بگذارید یک چیز دیگر هم بگویم که اینجا نگفتم، چون کاملاً حدس است، اما ممکن است جالب باشد.

همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، حتشپسوت زن بسیار جسور و سرزنده‌ای بود. می‌دانید، او کسی نبود که فقط بنشیند و وانمود کند ملکه است. احتمالاً، و باز هم، این فقط احتمالاً به این دلیل است که این فرعون‌ها فرزندان زیادی داشتند و آنها فقط آدم‌های بی‌عرضه‌ای بودند، اما احتمالاً، از آنجایی که او دختر توتمس اول است و موسی در اوایل سلطنت توتمس اول به دنیا آمده است، ممکن است به اندازه کافی جسور و با شهامت بوده باشد تا با فرمان پدرش در مورد انداختن نوزادان به رودخانه مقابله کند، و بنابراین این جعبه کوچک را که موسی در آن بود نجات دهد و این کودک عبری را در دربار بزرگ کند.

منظورم این است که اگر دختر یک فرعون قرار است چنین کاری انجام دهد، باید نوعی نفوذ و قدرت برای انجام آن داشته باشد. و بنابراین، این پیشنهاد ممکن است، و باز هم، فقط یک احتمال است، که حتشپسوت ممکن است آن شخص بوده باشد، زیرا ما مطمئناً از آنچه از بقایای دیوارهای معابد و چیزهای دیگر باقی مانده است، می‌دانیم که او آدم بدی نبوده است. بسیار خوب، بیایید شواهد مربوط به اواخر تاریخ را در نظر بگیریم.

در واقع شواهد بیشتری در اینجا ذکر شده است. تصمیم با شماست که آیا این شواهد خوب یا کافی هستند یا خیر. همانطور که گفتم، در آیه ۱۱ از فصل ۱، به مکانی به نام رامسس اشاره شده است، و بنابراین، ایده این است که، اگر رامسس چنین سازنده بزرگی بوده، شاید او این شهر را ساخته است، و این شهری است که بنی‌اسرائیل در حال ساختن آن هستند، و بنابراین، این زمانی است که ظلم و ستم در حال وقوع است.

یک پیشنهاد دیگر این است که در واقع سلسله هجدهم، نه نوزدهم؛ اگر از تاریخ متأخر صحبت کنیم، منظورمان سلسله نوزدهم است، اما سلسله هجدهم در واقع در جنوب بیشتری ساکن بوده است. پس آنها اینجا چه می‌کنند؟ خب، البته، نکته بعدی که باید انجام دهید این است که بگویید، خب، چگونه قرار است با این متن اول پادشاه ۶:۱ که به طور خاص به ۴۸۰ سال اشاره می‌کند، برخورد کنیم؟ خب، راهی برای برخورد با آن وجود دارد. همانطور که می‌دانید، چهل سال یک عدد کاملاً استاندارد در سراسر عهد عتیق است و زیاد به کار می‌رود، بنابراین پیشنهاد این است که این عدد قرار است نمادی از یک نسل باشد، و بنابراین نه به معنای واقعی کلمه ۴۰ سال، بلکه یک نسل، و سپس ۱۲ نسل.

بنابراین، ۱۲ ضربدر ۴۰ می‌شود ۴۸۰، و به این ترتیب، ببخشید، ۴۸۰ به دست می‌آید. و چون اینها اعداد سهام هستند، آن اشاره در اول پادشاه ۶-۱ به معنای واقعی کلمه ۴۸۰ سال نیست. شما هم با من موافقید؟ در عوض، به ۱۲ نسل اشاره دارد، و همانطور که لحظه‌ای پیش گفتیم وقتی در مورد مدت زمان از قورح تا هامان صحبت می‌کردیم، نسلی که تقریباً ۲۵ سال می‌شود، ایده اینجا این است که اگر در مورد ۱۲ نسل صحبت کنیم، فقط ۳۰۰ سال خواهیم داشت و این تاریخ را به زمانی منتقل می‌کند که ظلم و ستم و خروج در دهه ۱۲۰۰ رخ می‌دهد.

حالا، بیایید کمی ادامه دهیم. یک باستان‌شناس مشهور، در اواسط قرن بیستم یا همین حدود، بررسی نسبتاً کاملی از منطقه ماوراء اردن انجام داد و گفت، هی، هیچ مدرکی از ادوم و موآب در این دوره زمانی، یعنی دهه وجود ندارد. حالا، البته، خواهیم دید که وقتی شروع به خواندن کتاب اعداد می‌کنیم، بنی‌اسرائیل با ۱۴۰۰ ادوم و موآب، پادشاهی از ادوم که می‌گوید، نه، نمی‌توانید از اینجا عبور کنید، روبرو شدند.

خب، اگر پادشاهی در ادوم وجود داشته باشد، حتماً یک ادوم هم هست، و با این حال گلوک چیزی پیدا نکرد. حالا باید به شما بگویم که از آن زمان، باستان‌شناسان چیزهای نسبتاً مهمی از این دوره زمانی پیدا کرده‌اند، اما نلسون گلوک مدت زیادی بر آنچه فکر می‌کرد پیدا نکرده است، تسلط داشت. به همین ترتیب، از نظر باستان‌شناسی، همینطور است - امیدوارم زمانی در کلاس باستان‌شناسی دکتر ویلسون شرکت کنید.

او خیلی بهتر از من به همه این جزئیات خواهد پرداخت. وقتی به شواهد باستان‌شناسی نگاه می‌کنید، به ویژه در بخش‌های خاصی از اسرائیل، سطح تخریب عمده‌ای در حدود ۱۲۰۰ سال وجود دارد. و بنابراین، برای مدتی مردم فکر می‌کردند، خب، این باید مدرکی از ورود بنی اسرائیل در فتح باشد.

و بنابراین، شما یک خروج در حدود سال ۱۲۵۰، چیزی در همین حدود، و یک فتح به مدت حدود ۱۲۰۰ سال دارید. حالا، من قصد دارم در مورد آن بعداً بیشتر بگویم، اما آن به عنوان مدرک در نظر گرفته شد. به همین ترتیب، در مناطق تپه‌ای، بررسی‌های انجام شده از مناطق تپه‌ای، بررسی‌های باستان‌شناسی نشان داد که ما واقعاً افزایش سکونتگاه‌ها را داریم، سکونتگاه‌های مشهودی که بقایای باستان‌شناسی از خود به جا گذاشته‌اند، از حدود سال ۱۲۰۰ شروع می‌شوند.

خب، قانع شدید؟ به نظر می‌رسد مجموعه شواهد خوبی است، اینطور نیست؟ آیا کار می‌کند؟ اکثر باستان‌شناسان - بیخشدید، نه اکثر باستان‌شناسان، خب، آنها هم همینطور، اما اکثر محققان عهد عتیق اگر فکر کنند که اصلاً خروج از مصر وجود دارد، به آنجا می‌روند. و اتفاقاً، تعداد زیادی از آنها هم هستند که اینطور فکر نمی‌کنند. اما اگر فکر کنند که اصلاً خروج از مصر وجود دارد، می‌گویند که این زمانی است که اتفاق افتاده است.

خروج طولانی حدود ۱۲۵۰، ۱۲۶۰، چیزی شبیه به آن، و سپس ورود به سرزمین. با فشرده‌سازی این تاریخ‌ها. خب، بیایید ببینیم می‌توانیم کمی به این موضوع بپردازیم.

اوه، بله، سنگ یادبود، آن را هم فراموش کردم. مربوط به حدود سال ۱۲۲۰ یا حتی اواخر ۱۲۰۹ است. بسته به اینکه چه کسی را می‌خوانیم. فقط چند ایراد.

ضمناً، من از شما نمی‌خواهم که از این یا آن طرف جانبداری کنید. شما فقط باید شواهد را بدانید، یا حداقل باید بدانید که این مسئله وجود دارد زیرا بر بسیاری از کارهای دیگر ما در تاریخ عهد عتیق تأثیر می‌گذارد. واقعاً همینطور است.

اگر واقعاً قرار است این اعداد را در کتاب خروج به طور مناسب بخوانیم و بگویم که موسی واقعاً ۸۰ ساله بوده است، شاید این هم نمادین باشد. اما اگر قرار است سن موسی را در زمان خروج ۸۰ سال در نظر بگیریم، پس ظلم و ستم مدت‌ها قبل از اینکه رامسس اصلاً ظاهر شود، آغاز شده است. فقط باید محاسبات را انجام دهیم.

به همین ترتیب، در کارهای جدیدتر باستان‌شناسی، شخصی به نام جیمز هافمایر اشاره کرده است که این شهری که همه می‌گویند بنی اسرائیل در زمان سلطنت ظالمانه رامسس دوم ساخته‌اند، در واقع حدود ۷۰ سال قبل از آن تأسیس شده است. البته این قطعی نیست، اما حداقل آنجاست. باز هم، نام رامسس ممکن است قبل از ظهور رامسس دوم کاملاً مشهود بوده باشد.

رعمسیس دوم وجود داشته باشد، باید رعمسیس اول هم وجود داشته باشد. البته ما دقیقاً نمی‌دانیم چگونه «همه اینها را کنار هم بگذاریم، اما حتی اگر به گذشته برگردیم، پیدایش ۴۷:۱۱ از عبارت «سرزمین رعمسیس

استفاده می‌کند. حال، ممکن است یک ناهمزمانی تاریخی باشد. ممکن است کسی این را در متن قرار داده باشد، اما با این وجود، این عبارت از قبل در دوره پیدایش وجود داشته است.

باید در موردش فکر کنی. این یکی در تضاد است. تضاد؟ این با این گفته که سلسله هجدهم در دلتا فعال نبوده، در تضاد است.

در واقع، همینطور بود. خوب، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد سلسله هجدهم در منطقه دلتا فعال بوده است، بنابراین این مدرک خوبی برای ورود به سلسله نوزدهم نخواهد بود. این مهم‌ترین مدرک است و من سعی کردم کمی قبل‌تر روی آن تأکید کنم.

اگر واقعاً بخواهید این سال‌ها را فشرده کنید و بگویید که سال‌های نمادین هستند، و بگویید که ظلم و ستم از زمان رامسس دوم شروع شد، ساختن و غیره و غیره، و غیره، پس خروج را نیز در زمان رامسس دوم خواهید داشت. برای اینکه بنی اسرائیل تا زمانی که مرینپتاه در سال ۱۲۲۰ از راه می‌رسد، وارد سرزمین اسرائیل شوند، باید این کار را انجام دهید، و بنابراین، هیچ تغییری در فرعون ایجاد نمی‌شود، و با این حال، خروج ۲ آیه ۲۳ می‌گوید، فرعون می‌گوید که موسی در زمان او مجبور به فرار شد، مرد، زیرا او مصریان را کشته بود و به مدین رفته و سپس بازگشته بود. آن فرعون مرد.

این از نظر تاریخ دوم یا متأخر جواب نمی‌دهد. و بعد، چیزهای باستان‌شناسی یک تصویر بسیار بسیار بزرگ است. تصویر جذابی است، اما چند نکته هست که می‌خواهیم بگوییم.

کاملاً درست است که در قرن دوازدهم سطح تخریب وجود داشت. این می‌تواند به دلیل این باشد که کسی مثل فلسطینی‌ها خیلی راحت از آن عبور کردند. و نکته اینجاست.

وقتی خود روایت کتاب مقدس را می‌خوانید، وقتی یوشع را می‌خوانید، و ما قرار است این کار را انجام دهیم، فقط سه شهر هستند که سوزانده شده‌اند. فقط سه تا. یوشع، ببخشید، یوشع.

اریحا، عای و حاصور. فقط سه تا. نبردهایی وجود دارد، اما هیچ تخریبی توسط بنی اسرائیل انجام نمی‌شود.

در عوض، ظاهراً آنها به شهرها می‌روند و در آنها زندگی می‌کنند، حداقل بعضی از آنها. بنابراین، باستان‌شناسی در این زمینه خاص چندان مفید نخواهد بود. بسیار خوب، آیا از همه اینها خسته شده‌اید؟ به نظر می‌رسد که همینطور است.

بیا بیاید ادامه دهیم. حدود ۱۰ دقیقه فرصت داریم تا در مورد خروج ۱ تا ۳ صحبت کنیم. خیلی خوشحالم که شما تا الان درک خوبی از حاکمیت خدا پیدا کرده‌اید. آن را از دست ندهید، چون قرار است بارها و بارها در ادامه‌ی این دوره، به خصوص در مورد خود موسی، آن را ببینیم.

بسیار مهم. تولد او به وضوح گواه حاکمیت خداست. بگذارید فقط و دوباره، این متون را بدانم.

من قصد ندارم تمام جزئیات را بررسی کنم. بعضی از مطالب را خوانده‌ام، اما می‌خواهم چند نکته را یادداشت کنم. ماماها.

این واقعیت را از نظر دور نکنید که ماماها حقیقت را نمی‌گویند. آنها بیشتر نگران حفظ جان هستند. وقتی صحبت از حفظ جان، و به ویژه حفظ جان بی‌گناهان می‌شود، آنها انتخاب درستی کرده‌اند.

خدا به خاطر این کار آنها را برکت می‌دهد. راستی، آیا متوجه شده‌اید که نام قابله‌ها شفره و پوعه است؟ ما نام آنها را می‌دانیم. از فرعون نامی برده نشده است.

به همین دلیل است که ما در تلاش برای فهمیدن تاریخ خروج، دوران بسیار سختی را سپری می‌کنیم. آنها زحمت نکشیده‌اند که نام فرعون را بگویند. او پی‌نام است.

او فقط فرعون نامیده می‌شود، که در آن زمان یک لقب است. ما ماماهاپی را نامگذاری کرده‌ایم که به خاطر کاری که برای حفظ جان این کودکان انجام داده‌اند، مورد لطف خداوند قرار گرفته‌اند. نکته دوم که باید به ماست (Teva) آن توجه داشت، توا.

قبلاً این اسم یا آن کلمه را کجا دیده‌ایم؟ توا چیست؟ تیم؟ بله. وقتی نوح کشتی را می‌سازد، این کشتی توا است. و این همان وسیله‌ای است که نوح و خانواده‌اش را در میان آب‌های ویرانگر، آشفته و وحشتناک طوفان حفظ خواهد کرد.

را داریم. و این کلمه‌ای نیست که زیاد استفاده شود. بنابراین، وقتی آن را Teva به همین ترتیب، اینجا دوباره در این دو جا می‌بینید، شباهت‌های جالبی وجود دارد که می‌خواهیم در موردشان فکر کنیم.

زندگی موسی در میان هرج و مرج و ماهیت ترسناک سیلاب‌های نیل حفظ می‌شود. باز هم، آب برای ما آب است. ما به رودخانه‌ها نگاه می‌کنیم و آنها زیبا هستند.

آب در دوران باستان ترسناک و دهشتناک بود. به عنوان مکانی برای وحشت و ناآرامی و هرج و مرج تلقی می‌شد. بنابراین اتفاقات جالبی در آنجا رخ می‌داد.

همچنین، به جایگاه والایی که زنان در این روایت دارند توجه کنید. خواهر موسی، مریم، یک شخصیت کلیدی است. همانطور که قبلاً اشاره کردم، دختر فرعون نیز یک شخصیت کلیدی است.

و البته مادرش، که قرار است از همان ابتدا در آموزش او نقش مهمی داشته باشد. چون موسی می‌داند او کیست. او می‌داند که یک اسرائیلی است.

دقیقاً مطمئن نیستم که کی او را از شیر گرفت. شاید چهار یا پنج ساله بوده باشد. اما موسی آنقدر سابقه داشته که بداند او کیست، و این مهم است.

او در دربار آموزش بیشتری می‌بیند. شما همین الان در آن تصاویر انواع کتیبه‌ها را روی این ستون‌ها و ستون‌ها و دیوارها و غیره دیدید. موسی در آن دربار بزرگ می‌شود.

موسی خواندن و نوشتن و نحوه‌ی برخورد با تشریفات دربار را می‌دانست. او آماده است تا به آن دربار بازگردد، هرچند که چهل سال طول خواهد کشید تا این اتفاق بیفتد. او با بزرگ شدن در دربار فرعون، آمادگی لازم را داشته است.

نه تنها جنبه‌های فکری، بلکه جنبه‌های اجتماعی-سیاسی و تمام چیزهایی که بخشی جدایی‌ناپذیر از آن تصویر هستند. خب، ما می‌دانیم که او باید به مدیانه برود. او با صفوره، دختر یترون، ازدواج می‌کند و گله‌ها را چوپانی می‌کند.

و این یک آموزش فوق‌العاده است. می‌دانم که احتمالاً قبلاً این را در موعظه‌ها شنیده‌اید، اما باید گفت که چوپانی گله در سینا دو فایده برای موسی دارد. او را از شبه جزیره سینا آگاه می‌کند.

او آن را مثل کف دستش می‌شناسد. بنابراین، وقتی مردم را در آن مسیر هدایت می‌کند، می‌داند منابع آب کجا هستند. او این چیزها را می‌داند.

اما دوم اینکه، او همچنین می‌داند چگونه با گوسفندان نادان رفتار کند، که این آمادگی خوبی برای برخورد با مردم نادان است. و مردم بارها و بارها سرکش و احمق خواهند شد. و موسی توانایی خود را در رهبری فوق‌العاده خوب نشان می‌دهد.

او آمادگی لازم را داشته است. خب، آخرین کاری که می‌خواهیم انجام دهیم این است که به فصل سوم نگاهی بیندازیم. بوته سوزان - ما این را در مدرسه یکشنبه مطرح کرده‌ایم.

اما به خاطر داشته باشید که بوته سوزان نماد چیست. زمینی که موسی روی آن ایستاده است، زمین مقدس است. حضور خدا در آنجاست.

آتش اغلب برای نشان دادن حضور خدا و ماهیت تطهیرکننده و پالایش‌دهنده‌ی آن آتش استفاده می‌شود. بوته در حال سوختن است، اما سوخته نشده است. اما توجه کنید، این یک درخت افاقیا نیست.

درختان افاقیا، درختان بزرگ سینا هستند. خب، کلمه عبری آن «سینه» است. این یک سینه است، به معنی بوته کوچک.

خدا به حضور موسی در آن مقام خاص نزول کرد. خیلی جالب است. خب، او موسی را مخاطب قرار می‌دهد.

او می‌گوید، من خدای عهد هستم. من به عهد و پیمان خود وفا خواهم کرد. موسی می‌گوید، خب، وقتی بزرگان اسرائیل از من درباره تو می‌پرسند، باید بگویم که تو که هستی؟ و البته، در این مرحله، ما وحی خدا را از خودش داریم.

فصل سوم، آیه ۱۴، بسیار مهم است، و ۱۵. خدا به موسی گفت، من هستم آنکه هستم. این چیزی است که باید به بنی‌اسرائیل بگویم.

هستم «مرا نزد تو فرستاده است، خداوند، خدای پدرانت، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا نزد تو» فرستاده است. این نام من برای همیشه است، نامی که نسل اندر نسل به یاد من خواهد ماند. به عبارت دیگر، او خدای گذشته، حال و آینده است.

من هستم»، «آن که هستم» را می‌توان به این صورت هم ترجمه کرد؛ در واقع، شاید بهتر باشد به این صورت ترجمه شود: «من خواهم بود آن که خواهم بود.» خب، منظورم این است که این نوعی از زبان عبری آینده است که فقط دو زمان دارد، و این یک شکل آینده است، فارغ از هر معنایی که در این متن داشته باشد. این [جمله/جمله] /... تا ابد قائم به ذات و جاری است.

تکرار می‌شود، من همان کسی هستم که هستم، و این را تضمین می‌کند. بنابراین، من اینجا هستم، خدای ابدی NIV و قائم به ذات، خدای عهد. نام یهوه، که در کتاب مقدس شاه جیمز شما به عنوان یهوه آمده است، در شما با حروف بزرگ خداوند است.

را ترجمه (Yahweh) باشد، در واقع یهوه (LORD) شما با حروف بزرگ به معنی خداوند NIV هر وقت هستند. من همانم که (to be) می کند. و این از همان صامت‌هایی ساخته شده است که زیرینای فعل بودن هستم.

من همان کسی خواهم بود که خواهم بود. همه اینها به نوعی در نام یهوه خلاصه شده است. وقتی به فصل ششم می‌رسیم، بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت.

اما در این مرحله، ساعت ده گذشته است، بنابراین احتمالاً بهتر است توقف کنیم. روز چهارشنبه کسی به من یادآوری کرد که مختصراً در مورد این اتفاق جذاب در فصل چهارم در مورد بازگشت به مصر صحبت کنم. چون نمی‌خواهیم آن را از قلم بیندازیم.

باشه، روز خوبی داشته باشی.